

علی دایی را حالا بیشتر درک می‌کنم

عطایی: این تیم از نسل طلایی بهتر می‌شود

لازم باشد سعید معروف را هم دعوت می‌کنیم

بهر روز عطایی: مربی موفق یا ناکام؟ شاید قضاوت درمورد این موضوع خیلی، خیلی زود باشد. آنچه پرواضح است، او پس از مربیان خارجی نامدار هدایت والیبال ایران را برعهده گرفت. در لیگ ملت‌ها موفقیت نسبی کسب کرد اما در مسابقات جهانی نتوانست انتظار هواداران والیبال را برآورده کند.
بهر روز عطایی دیروز حدود دو ساعت میهمان «ایران ورزشی» بود. با او از هر دری حرف زدیم. چهره‌اش خسته نشان می‌داد اما این خستگی به دلیل فشار کار نبود. خودش می‌گفت: «توهمین‌ها و رفتارهای ناچونمردانه و دور از انصاف آدم را اثبات می‌کند اما کسی این مسوولیت را می‌پذیرد، باید آماده سنگین‌ترین فشارها هم باشد.» در این مصاحبه، از هر دری حرف زدیم. گفت‌وگوی ما با سرمربی تیم ملی والیبال ایران را بخوانید و خودتان درباره‌اش قضاوت کنید.

مهری رنجبر روزنامه‌نگار

بهر روز عطایی اگر بخواهد خودش را به کسی معرفی کند، چه می‌گوید؟

-اگر دقیق بگویم، بهروز عطایی متولد ۱۳۴۹/۵/۱۴ از شهرستان آمل هستم. والیبال را از سال ۶۳ شروع کرده و در تمام رده‌ها عضو تیم ملی بوده‌ام. همچنین افتخار سرمربیگری تمامی رده‌های تیم ملی را داشته‌ام. اما برای مردم کشور یکی از اعضای جامعه والیبال و یک هموطن ایرانی هستم.

قبل از این گفت‌وگو که با هم در مورد فشار کار گپ می‌زدیم، گفتید که اگر به عقب برگردید، باز همین راه را ادامه می‌دهید. احساس می‌کنید جایی از این مسیر را باید تغییر داد یا اینکه مسیر را کنار درست‌تری گرفتید؟

قطعاً کسی که در این سطح فعالیت می‌کند فشارها و عذاب‌های زیادی را باید تحمل کند. اما چون والیبال را دوست دارم، اگر ده بار دیگر هم متولد شوم این مسیر را انتخاب می‌کنم اما معنایش این نیست که مسیر طی شده بدون خطا یا کم اشتباه بوده؛ قطعاً اشتباهات زیادی در کل والیبال را دوست دارم و اگر باز هم متولد شوم همین مسیر را انتخاب می‌کنم.

یکی دو مورد از اشتباهات گذشته‌تان را برایشان بگویید؟

خیلی سخت است که بخواهم موردی صحبت کنم. الان ذهنم یاری نمی‌دهد که دقیق بگویم اما گاهی در شیوه بازی خودم، در انتخاب همکارانم و امثال اینها دچار اشتباه شدم که می‌تواند خطاهای من تلقی شود.

شما بعد از حضور چند مربی خارجی، در تیم ملی جایگزین شدید و بلافاصله نسل قبلی را تغییر و نسل تازه‌ای را وارد تیم ملی کردید. قبل از این اقدام به این فکر نکردید که ممکن است با این کار، نتایج ضمنی گرفته شود و پیرویه حضور مربی ایرانی روی تیمکت نیم ملی برای همیشه بسوزد؟

من ۳ دوره سرمربی تیم ملی جوانان ایران در مسابقات قهرمانی جهان بودم که تعداد زیادی از بازیکنان آن تیم در حال حاضر در تیم ملی بزرگسالان حضور دارند. کاری را که الان ایتالیا انجام می‌دهد، من هم انجام دادم. بازیکنی مثل جیانلی در سال ۲۰۱۵، گالاسی در سال ۲۰۱۷، لاویا و رومانو در ۲۰۱۹ و میکیلینو در سال ۲۰۲۱ عضو تیم جوانان ایتالیا بودند که امروز در تیم ملی بزرگسالان حضور دارند. این اتفاق در کشور ما هم افتاد و خوشحالم که من هم در این مسیر کمکی کرده‌ام. الان هم نگران این موضوع نیستم که این تفکر درست به سرانجام نرسد، البته قطعاً به سرانجام می‌رسد اما ممکن است عده‌ای تحمل نکنند. من کار درست را انجام می‌دهم اما عملکرد ما در این مدتی که مسوولیت را به ما سپردند، قابل دفاع است.

ما باید الگوبرداری کنیم اما نباید خودمان را با دیگران که باید با خودمان و گذشته خودمان مقایسه کنیم.

از زمان حضورم در تیم ملی در ۴ تورنمنت شرکت کردیم. در مسابقات قهرمانی آسیا در خاک ژاپن ۱۳-۱۰ این تیم را شکست داده و قهرمان شدیم.

خیلی‌ها معتقد بودند که تیم ژاپن،

نیشیدا و سکیتا، دو ستاره‌اش را در اختیار نداشت اما ما هم از ترکیب المپیک‌ی مان ۷ بازیکن را در اختیار نداشتیم. سؤال این است که اثرگذاری سعید معروف بیشتر بود یا سکیتا؟ تأثیرگذاری امیرغفور بیشتر بود یا نیشیدا؟ یا حتی محمد موسوی یا باقی بازیکنان....

چرا این بازیکنان (مخروف، موسوی، فیاضی، امیرغفور) بسیار با به تیم ملی دعوت نکردید؟

ما معتقد بودیم که والیبال ما بدون آنها هم می‌تواند موفق باشد. باید جووری پیش برویم که با نبود این بازیکنان هم کنار بیاییم. تصور والیبال ما بدون سعید معروف برای خیلی‌ها سخت بود. حتی کمتر مسابقه‌ای را بدون سعید معروف با پیروزی پشت سر می‌گذاشتیم. اما الان در لیگ ملت‌ها بدون سعید معروف از ۱۳ بازی ۸ بازی را می‌بریم.

با حضور این بازیکنان سطح بهتری نمی‌گرفتیم؟

هیچ تضمینی نیست. دوره قبل با تمام این ستارگان دوازدهم دنیا شدیم. من به روند اعتقاد دارم نه افراد. در اینکه بعضی بازیکنان نخبه هستند شکی نیست ولی ما باید جووری پیش برویم که مسیر ما درست باشد. در تیم ملی ایتالیا بازیکنانی مثل خوان تورنا که اعجوبه‌ای در دنیا است، کنار می‌رود اما بازیکنی مثل میکیلنو می‌آید و آنها باز هم قهرمان جهان می‌شوند. مربی زایدسفا را کنار می‌گذارم و با بازیکنی مثل رومانو قهرمان جهان می‌شود چون مسیر، مسیر درستی بود. مسیر باید مبتنی بر حرکت تیم باشد نه حرکت فرد.

در سال‌های اخیر مدال جهانی نداشتیم و حالا نباید جووری از والیبال توقع داشته باشیم که انگار ده مدال جهانی در کارنامه داریم و این بار ناکام شدیم. کلاً یک مدال آن هم در مسابقات جام قاره‌ها با حضور ۶ تیم داشتیم که بین ۶ تیم، سوم شدیم.

ممکن بود با این تغییر، سرنوشت مربیگری خود و دیگر مربیان ایرانی عوض می‌شد.

ناپلئون بناپارت می‌گوید: «مردان بزرگ فرزندان خطر هستند. البته من مرد بزرگ نیستم اما فرزند خطر هستم و شجاعت پیاده کردن تصمیماتم را دارم. مسیر ما مشخص بود و فقط جای چند بازیکن در ترکیب عوض شد. من و همکارانم با نهایت توان در حال تلاش هستیم و سعی می‌کنیم تیم را به سر منزل مقصود برسانیم.

سر مبتل مقصود کجاست؟

ما اهدافی را تعریف کرده‌ایم. ما باید تیم اول آسیا باشیم. من تیم دوازدهم جهان و دوم آسیا را تحویل گرفتم. الان تیم ما تیم دهم جهان و دوم آسیا است. حالا هدف این است که ما تیم اول آسیا بوده و در المپیک حضور پیدا کنیم. *به نظرتان با توجه به استعدادهای ایران، قله والیبال ما کجاست؟* ما استعدادهای زیادی داریم اما زمان زیادی لازم است تا تغییر بزرگ رخ دهد. والیبال ایران بسیاری از ساختارها و زیربنایها را ندارد. نمی‌توانیم والیبال ایران را با تیم‌هایی مثل آمریکا، لهستان و ایتالیا، برزیل و حتی ژاپن مقایسه کنیم.

از چه نظر؟ از تمامی جهات. امکانات، فرهنگ، کار پایه، ارتباط کار پایه با آموزش و پرورش، ارتباط کار پایه با دانشگاه. بازیکنان ایران در تیم ملی ساخته می‌شوند در صورتی که در هیچ جای دنیا

اینگونه نیست. باشگاه‌های ما بازیکن نمی‌سازند. بلکه فقط از بازیکنان ملی استفاده می‌کنند. درست است که در آمریکا لیگ باشگاهی وجود ندارد اما تیم‌های دانشگاهی دارند که بیشتر از چند صد مسابقه اتفاق می‌افتد که خودش موجب بازیکن‌سازی می‌شود. ما در نوجوانان با میانگین قدی هفت تا ده سانت بالاتر به ژاپن باختیم. البته این یک اتفاق بود. اگر بخواهیم تک تک بازیکنان نوجوان ژاپن را با تک‌تک بازیکنان نوجوان خود مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم به زعم اینکه بازیکنان ما فیزیک بهتری دارند اما بازیکنان ژاپنی مهارت‌های بهتری نسبت به ما داشتند. اینها تفاوت‌های ما با والیبال مدرن دنیا است.

در مورد فیزیک توضیح بیشتری می‌دهید. ما تیم‌هایی مثل لهستان و روسیه و... را می‌بینیم که به لحاظ قد و قواره از ما بالاتر هستند، وقتی اینقدر بالاترست بازیکنان ما اسپیک و سرویس می‌زنند چطور می‌شود مهارشان کرد؟

از لحاظ فیزیکی جزو تیم‌های میانه والیبال دنیا هستیم. مدل تیم آرژانتین، مدلی از تیم ایتالیا هستیم. اما با روسیه، لهستان و صربستان تفاوت‌های فیزیکی عمده‌ای داریم. ما جزو تیم‌های خوب هستیم ضعیف و کوتاه نیستیم، فوق‌العاده قدرتمند هم نیستیم، اما قرار باشد تیم فیزیکی روسیه را نمره ۱۰۰ بدهم، ایران را ۸۰ می‌دهم.

با این فیزیک ما می‌توانیم در یک رویداد مهم روی سکو برویم؟ امروز نه، اما در آینده ممکن است. امروز ما همه جوهره از فرانسه، آمریکا، ایتالیا، برزیل و لهستان عقب هستیم. تیم ایتالیا بعد از ده ۹۰ یک پیروسه ۱۰ ساله را طی کرد تا بتواند امروز قهرمان جهان شود. البته بعد از ۲۴ سال قهرمان جهان شد. آنها در رده پایه کار اصولی کردند، که امروز ایتالیا در همه رده‌های نوجوانان، جوانان پسر و دختر، بزرگسالان زنان و مردان قهرمان شد. این کار متعلق به یک مربی نیست. این طور نیست که بگوییم ولاسکو یا جورجی. به آنها ربطی ندارد، بلکه به ساختار ربط دارد. مگر مربی تیم زنان ولاسکو بود؟ یا مربی تیم نوجوانان و جوانان پسر دجورجی بود؟...

از وقتی من آمدم یا وقتی که مربی خارجی بود نوع ادبیات عوض شده است. ما با کادر رفیقیم قهرمانی جهان، ۳ مربی و دو کادر پزشکی. به‌دلیل اینکه جزیده درگیر بازی‌های کشورهای اسلامی بود نشد همراه ما بیاید. ما نیمکت را خالی نکردیم. بعضی‌ها می‌گفتند وقتی دنیای لپ‌تاپ و تبلت هست چرا از آن استفاده نکردیم. این قضیه به خودی خود اشکال نداشت. حتی ما باید دو آنالیزور می‌بردیم و امین علی اکبری هم می‌آمد. سؤال من از آقایان این است که چرا ما در دو المپیک یک مربی ایرانی را بردیم و مترجم. نه مترجمی که مربی والیبال هم باشد. مترجم از بیرون روی نیمکت نشسته بود در حالی که می‌توانست یک مربی باشد و مترجم پشت نیمکت باشد.

چرا حرف‌ها تغییر کرده؟

نمی‌دانم؟ شاید ایرانی ستیزی باشد. این موضوعاتی بود که اتفاق افتاد و واکنش خوبی به ما نشان نداد و فضای تیم را آرام نگه نداشت.

روی نتیجه تیم هم تأثیر گذاشت؟ نه. عملکرد ما خوب بود به جز قهرمانی جهان که فضای خاصی داشت. من

می‌گویم شاید از یک چیزی خوشم نیاید اما قرار نیست بد باشد. شیوه برگزاری مسابقات قهرمانی جهان، شیوه جدیدی بود که بعضی تیم‌ها را متضرر کرد. شیوه خوبی برای همه تیم‌ها نبود. ما گلایه نکردیم و فقط گفتیم شیوه خوبی نبود. حرف‌ها را تفسیر می‌کنند. آمریکا دو بار با لهستان بازی کرد، این روش غلط است. آمریکا یک بار در دور مقدماتی به لهستان باخت و یک بار در یک چهارم نهایی. اسلورونی آخرین بازی‌اش در دور مقدماتی با آلمان بازی کرد و اولین بازی پلی‌آف هم با آلمان بازی کرد. این کار غلط است چه می‌شد؟ یعنی در گروه یا دور صعود می‌کردی و مرحله بعد هم می‌پردی. بعد این مساله را به ما نقد می‌کنند. به هر حال فکر می‌کنم قهرمانی جهان تجربه خیلی خوبی بود.

خودت را به لحاظ مربیگری شبیه کدام مربی می‌دانی؟

من خودم را شبیه هیچ مربی نمی‌دانم و شیوه کار خودم را دارم. یک مربی باید رابطه خیلی خوبی با مجموعه‌اش داشته باشد. مجموعه تنها به بازیکن و فدراسیون ختم نمی‌شود. باید با کادرم، بازیکنان، فدراسیون و رسانه‌ها ارتباط خوبی داشته باشم. در واقع سرمربی باید یک مدیر خوب باشد. امیدوارم کار به جایی برسد که نتیجه‌ها باعث شادی مردم شود در این شرایط که حال دلشان خوب شود.

بازیکنانی که کنار گذاشتید کمک کردند یا نه حاشیه‌ساز شدند؟

نه هیچ اتفاق خاصی نبود. آنها هم والیبال تیم ملی بودند و قلبیشان برای تیم ملی می‌تپد و هر وقت نیاز به آنها داشته باشیم دعوت می‌شوند. البته به شرطی که خودشان تمایل داشته باشند.

حتی سعید معروف؟

هر بازیکنی، فرقی نمی‌کند. ما برای نسل طلایی خیلی احترام قائل هستیم و از تفکراتشان استفاده می‌کنیم.

بعد از مسابقات جهانی از شما انتقاد شد... مثلاً می‌گفتند که رقبا تیم اصلی‌شان را به مسابقات نیاوردند...

بله...همه می‌گفتند رقبا تیم دوم‌شان را به جام جهانی آوردند ولی کسی نمی‌گوید ایران با چه تیمی به مسابقات جهانی رفت؟ تیم ما هم تیم اول نبود. ایران همین حالا یک تیم بیرون دارد که تیم اصلی ما را می‌برد. (اشاره به تیمی با معروف، موسوی، امیر غفور و ...) اما دو سال بعد امکان ندارد که تیم پرستاره بتوانند تیم فعلی را ببرند. من از حالا برای آن روز برنامه‌ریزی می‌کنم. دو سال بعد یعنی المپیک پاریس؟

بله تا آن موقع خودتان می‌مانید و برکنار نمی‌شوید؟ نبود من مهم نیستم... *نتایج رابطه مستقیمی با سرنوشت مربی دارد... بعد از سال‌ها تیم ملی به یک مربی ایرانی رسیده و اگر شما نتیجه‌نگیرید و ریسک کنید، تا سال‌ها ذهنیت منفی در مورد مربی ایرانی شکل می‌گیرد؛ مشابه فوتبال...*

اگر آدم از جایی می‌رود، باید اثرات و رد پایش برای همیشه باقی بماند. آقای یزدانی از والیبال رفت. او چه کار کرده